

گونه شناسی روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام در سوره لقمان

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۰

علی احمد ناصح؛ دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم
فریده بهرامی؛ کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم

چکیده

این مقاله روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام ذیل سوره مبارکه لقمان را از منظر ثبت و گونه شناسی بررسی کرده است. ابتدا به تعریف بارزترین گونه‌های تفسیری پرداخته و سپس روایات مرتبط با هر گونه را ذکر کرده است. شیوه پژوهش، کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی و نیز حوزه مطالعات آن، قرآن و تفاسیر روایی شیعه است. طبق برآورد تحقیق، بیشترین فراوانی روایات ذیل سوره لقمان به ترتیب ایضاح مفهومی - به معنای توضیح و تبیین مراد و مقصود آیه - سپس اخلاقی و در مرحله بعد تعیین مصداق (جری و تطبیق) بوده است.

کلیدواژه‌ها: روایات تفسیری، گونه‌شناسی، سوره لقمان.

بیان مسئله

مبحث گونه شناسی و بررسی و استقراء روایات تفسیری و به دنبال آن، تعدد و تنوع آنها (نامگذاری)، هر چند سابقه‌ای در آثار پژوهشگران علوم قرآنی نداشته است؛ با وجود این در جمع آوری و تنظیم این روایات به جهت محفوظ ماندن آنها، تلاش‌های بی‌دریغی از خود نشان داده‌اند؛ در پژوهش‌های معاصر علوم قرآنی، پژوهشگران درصدد برآمده‌اند این روایات را از این ناحیه موشکافانه‌تر بازبینی کنند لذا به بررسی و به دنبال آن نامگذاری این روایات اقدام کرده‌اند؛ اقدامی که بدون شک به بهره‌مندی آسان‌تر و نیز به تبع آن سودمندتری از این روایات خواهد انجامید. نوشتار حاضر می‌کوشد پاسخگویی یک پرسش اساسی در خصوص روایات تفسیری باشد و آن اینکه روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام ذیل سوره لقمان از لحاظ گونه شناسی در چه دسته‌هایی جای می‌گیرند؟ از نگاه این تحقیق، گونه ایضاح مفهومی در مقایسه با گونه‌های دیگر می‌تواند حجم بیشتری را به خود اختصاص دهد. با مراجعه به مصادر روایی شیعه در مجموع ۹۲ روایت مورد بررسی قرار گرفته است، ارزیابی آنها حاکی از آن است که این روایات از نظر سبک و گونه‌شناسی به یازده گروه یا همان گونه می‌توان تقسیم کرد که هر کدام کارکرد ویژه‌ای دارند؛ از قبیل: روایات فضایل سور و آیات، ایضاح لفظی، ایضاح مفهومی، ترسیم فضای نزول، اختلاف قرائات، بیان مصداق (جری و تطبیق)، تأویل و بطن، استناد به قرآن و...؛ ضمن ارائه تعریفی جامع و مختصر، این اقسام یا گونه‌ها معرفی شده‌اند و سپس برای هر کدام نمونه‌هایی از روایات، ذکر شده است.

البته در تعدد گونه‌های روایی (نامگذاری) میان صاحب نظران، تفاوت‌هایی هر چند به صورت جزئی دیده می‌شود لذا ما سعی خود را بر آن داشتیم که تقسیم بندی از این گونه‌ها ارائه دهیم که نسبت به موارد مشابه‌اش جامع‌تر و کامل‌تر باشد.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. روایت تفسیر (Interpretive Tradition)

روایت تفسیری، روایتی است که بخشی از آیه در آن مذکور باشد و یا روایت، ناظر به آیه‌ای باشد که خود آیه، در روایت مذکور نیست؛ اما روایت، به بیان مراد خداوند در آن آیه پرداخته و یا زمینه فهم آن را فراهم ساخته است.^۱ همچنین، تفسیرهایی که با استناد به این روایات، در صدد فهم و درک معانی و مقاصد آیات هستند، «تفسیر مأثور» و روش تفسیری آنها «تفسیر اثری» نام دارد.

به نظر می‌رسد دانشمندان تفسیر و علوم قرآنی، تعریف دقیق و واحدی از «روایات تفسیری» ارائه نکرده‌اند و در این زمینه اختلاف دیدگاه دیده می‌شود؛ اختلاف دیدگاهی که منشأ آن به تفاوت دیدگاه‌ها در خصوص «حدود و دامنه روایات تفسیری» برمی‌گردد.

به هر حال، در این نوشتار، مقصود ما از روایات تفسیری، همه گونه‌ها و روایاتی است که توسط مفسران در مباحث تفسیری، به ویژه در مجموعه‌های روایی، ذیل آیات قرآنی ثبت و ضبط شده‌اند؛ گرچه برخی از آنها را به مفهوم دقیق کلمه، نمی‌توان در زمره روایات تفسیری به شمار آورد. مراجعه به منابع تفسیری نشان می‌دهد که دامنه روایات تفسیری نزد مفسران، بسیار فراتر از معنای اصطلاحی است و در واقع هر نوع روایتی که به نوعی به فهم آیه کمک می‌کند بهره برده‌اند و در محدوده آن گنجانده‌اند.^۲

۱-۲. گونه‌شناسی (Typology)

عنوانی است که شیوه و نوع رابطه روایت با آیه را بیان می‌کند.^۳

۱-۳. سوره لقمان (Luqman-Sura)

این سوره مبارکه سی و یکمین سوره از سور صد و چهارده گانه قرآن کریم است. شمارش آیات آن از سی و چهار (۳۴) تجاوز نمی‌کند. مفسران اسلامی اتفاق نظر دارند که مجموع آیه‌های این سوره در مکه نازل گردیده است^۴ و لذا می‌گویند سوره لقمان از سوره‌های مکی است؛ جز آیه‌های ۲۷، ۲۸ و ۲۹ که در مدینه نازل شده است و به دستور پیامبر در این سوره قرار گرفته است؛ ولی هرگز دلیل قطعی بر آن ندارند که این سه آیه در مدینه نازل شده است، بلکه با توجه به مفاد آنها که مانند بیشتر آیات مکی، پیرامون مبدأ و معاد بحث می‌کند می‌توان گفت که این سه آیه در مکه نازل گردیده است. از این جهت به نظر می‌رسد مجموع آیات این سوره در مکه نازل شده باشد.^۵

هدف اساسی از سوره لقمان،^۶ مبارزه با شرک و دوگانه پرستی و ایجاد توجه به خدا و سرای دیگر است و با بررسی مجموعه آیه‌های این سوره خواهیم دید که غرض نهایی از تشریح اسرار آفرینش و طرح مواعظ بزرگ لقمان حکیم، همان توجه به خدای یگانه و محو آثار شرک و بت پرستی است و چون پاره‌ای از آیات این سوره را سخنان حکیمانه او تشکیل می‌دهد از این جهت نام آن حکیم روی این سوره نهاده شده و می‌گویند «سوره لقمان» یعنی سوره‌ای که در لابه‌لای آیات آن، سخنان و اندرزهای لقمان حکیم وارد شده است.

۲. گونه‌های روایات تفسیری

۲-۱. ایضاح مفهومی

مراد از ایضاح مفهومی آن است که حدیث به توضیح و تبیین نسبت در آیه می‌پردازد؛ نسبت میان یک جمله یا چند جمله.^۷ ایضاح مفهومی، شامل موارد: عام و خاص، مطلق و مقید، ناسخ و منسوخ، مجمل و مبین و تفصیل محتوای آیه در

عرصه‌های اعتقادی و تاریخی و فقهی می‌شود. به نوعی دیگر، ایضاح مفهومی، گسترده‌ترین حوزه روایات تفسیری و خود قابل تقسیم به اقسام گوناگونی است.

۱-۱-۲. فی قوله عزوجل: ﴿وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ﴾ (لقمان: ۳۴) فقال: من اقدم الى قدم.

در تفسیر سخن خداوند عزوجل ﴿وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ﴾: «و هیچ کس نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد، هیچ کس نمی‌داند در چه سرزمینی می‌میرد؟» {آورده است که امام صادق علیه السلام} فرمود: یعنی از قدمی تا قدم دیگر را نمی‌داند.^۸

۱-۲-۲. ﴿وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ﴾ (لقمان: ۱۸) ای و لا تمل وجهک من الناس بكل و لا تعرض عنم یکلمک استخفافاً به، هذا المعنى قول ابن عباس و أبی عبدالله علیه السلام.^۹

﴿وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ﴾ «(پسرم!) با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان» یعنی اینکه، روی خود را به کلی از مردم مگردان و از کسی که با تو سخن می‌گوید از در توهین اعراض مکن و این معنا را به ابن عباس و امام صادق علیه السلام نسبت داده است.

۱-۲-۳. و فی روایة أبی الجارود عن أبی جعفر علیه السلام فی قوله عزوجل: ﴿وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا﴾ (لقمان: ۱۸) يقول: بالعظمة إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ.^{۱۰}

و در روایت ابو جارود از امام باقر علیه السلام آمده است که ذیل آیه ﴿لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا﴾: «و مغرورانه بر زمین راه مرو» فرمود: یعنی در زمین با {تظاهر به} بزرگی راه مرو «چرا که خداوند هرگز متکبر و خودستا را دوست نمی‌دارد».

۲-۲. روایات اخلاقی

احادیثی را می‌توان اخلاقی نامید که در آنها از فضایل و مکارم اخلاقی سخن به میان آمده است و یا آنکه یکی از ویژگی‌های پسندیده اخلاقی را ستوده و ویژگی ناپسندی را مذموم شمرده‌اند.

۲-۲-۱. ذیل آیه ﴿يَا بَنِيَّ اَقِمِ الصَّلَاةَ وَاْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَاَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلٰى مَا اَصَابَكَ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُوْر﴾: «پسرم! نماز را برپا دار، امر به معروف و نهی از منکر کن، در برابر مصیبتی که به تو می‌رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است» (لقمان: ۱۷): فی کتاب الخصال فیما علم امیر المؤمنین علیه السلام أصحابه من الاربعمأة باب: اثمروا با المعروف و انهوا عن المنکر و الصبروا علی ما اصابکم؛^{۱۱} در خصال در ضمن چهار صد بابی که امیر المومنین به یاران خویش آموخت، آمده است: امر به معروف و نهی از منکر کنید و در برابر مصیبت‌ها شکیبا باشید.

۲-۲-۲. ذیل آیه فوق آمده است: العلاء بن الفضیل عن ابي عبد الله عليه السلام قال: «الصبر من الايمان بمنزلة الرأس من الجسد، فاذا ذهب الرأس ذهب الجسد كذلك إذا ذهب الصبر ذهب الايمان».^{۱۲} علاء بن فضیل از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که { فرمود: صبر نسبت به ایمان، همانند سر نسبت به بدن است، بنابراین چون سر برود، کالبد نیز از میان می‌رود؛ همین گونه هنگامی که صبر رفت، ایمان نیز رخت بر می‌بندد.

۲-۲-۳. در باب ﴿لَا تُصْعِرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْسُ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾: (پسرم!) با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان، مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد.» (لقمان: ۱۸) فی روایة علی بن ابیطالب: «زینة الشریف التواضع» آرایش انسان‌های با شرافت فروتنی است.^{۱۳}

۲-۳. بیان مصداق (جری و تطبیق)

در شماری از روایات تفسیری، به جای راز گشایی از مفاهیم عام آیات، به ذکر مصداق آیات می‌پردازد بدین صورت که مفاهیم به دست آمده از آیات را به موارد مشابه‌اش تطبیق می‌دهند.^{۱۴}

بر این اساس، گرچه منطوق آیه، در ظاهر ناظر به امت‌های گذشته یا اتفاقات عصر نزول است؛ ولی روح و حقیقت آن در حصار هیچ زمانی نیست، یعنی «فرازمانی» بوده است و در آیندگان همانند گذشتگان جاری و ساری است. پیداست که هدف در این گونه روایات، «تفسیر» نیست، بلکه مقصود برشمردن تعدادی از مصداق عینی آیه است.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، بسیاری از روایات را بر مصداق حمل می‌کند و برای این منظور، اصطلاح «جری و تطبیق» را به کار می‌برد^{۱۵} که برگرفته از روایاتی چون: «إِنَّ الْقُرْآنَ يَجْرِي كَمَا تَجْرِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ» است و برای نخستین بار توسط ایشان مطرح شده است؛ البته ایشان در بیان مصداق آیه علاوه بر اصطلاح «جری و تطبیق» گاه تعبیر «مصداق بطن» را به کار می‌برند؛ یعنی برای آیه به جز معنای ظاهری، معنایی بطنی منظور داشته و مصداقی از آن معنای بطنی را در روایت نشان داده است.

«جری و تطبیق» عبارت است از جاری شدن و سرایت کردن مفاهیم به دست آمده از آیات، به موارد مشابه‌اش. استاد جوادی آملی در این باره می‌گوید: «در بسیاری از روایاتی که در تفاسیر روایی مانند البرهان و نورالثقلین آمده و از آن به‌عنوان روایات تفسیری یاد می‌شود در پی تفسیر آیه نیست؛ زیرا تفسیر به معنای بیان معانی الفاظ و جمله‌های قرآن است و بیشتر آن احادیث از این قبیل نیست، بلکه در پی تطبیق آیه بر برخی از مصداق و موارد فراوانی، تطبیق بر بارزترین مصداق

آن است.^{۱۶} بنابراین در این نوشتار، دو اصطلاح «بیان مصداق» و «جری تطبیق» یکی انگاشته شده و با عنوان کلی «تعیین مصداق» از هر دوی آنها یاد شده است.

۲-۳-۱. علی بن النضر عن أبي عبدالله عليه السلام قال: قلت: جعلت فداك ما تقول في قوله: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا لَقْمَانَ الْحِكْمَةَ﴾ (لقمان: ۱۴) قال: أوتى معرفة امام زمانه.^{۱۷} علی بن النضر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که به ایشان گفتیم: فدایت کردم، درباره سخن خداوند ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا لَقْمَانَ الْحِكْمَةَ﴾: «ما به لقمان حکمت دادیم» چه می‌فرمایید: فرمود: شناخت امام زمانش به وی داده شد.

۲-۳-۲. ذیل آیه ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنَا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَوَالِدِيكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ﴾: و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد (به هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه‌ای را متحمل می‌شد)، دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می‌یابد (آری به او توصیه کردم) که برای من و برای پدر و مادرت شکر بجا آور که بازگشت (همه شما) به سوی من است» (لقمان: ۱۴) آمده است: محمد بن مروان قال: قال ابو عبدالله: ما يمنع الرجل منكم أنى بر والديه حيين و ميتين يصلى عنهما و يحج عنهما و يصوم عنهما، فيكون الذى صنع لهما و له مثل ذلك، فبيده الله عزوجل بيرة و صلته خيراً كثيراً.^{۱۸}

محمد بن مروان روایت کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: چه چیز مانع یکی از شما می‌شود که به والدینش در حال حیات و مرگ نیکی کند، از طرفشان صدقه بدهد، حج بگذارد و روزه بگیرد تا آنچه کرده از آن آنها باشد و مانند آن را نیز به خودش بدهند و خدای عزوجل به احسان و صله‌ی او خیر فراوانی بیفزاید؟

۲-۳-۳. فی کتاب معانی الأخبار عن يحيى بن عباد، عن عبدالله عليه السلام - قلت:

عزوجل ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ﴾ (لقمان: ۶) قال منه الغناء.^{۱۹}

در کتاب معانی الاخبار به سند خود از یحیی بن عباد، از امام صادق علیه السلام روایت کرده که در معنای لهو الحدیث فرمود: یکی از مصادیق آن غناست.

۲-۴. بیان لایه‌های معنایی (تأویل یا بطن)

یکی از وجوه تازگی و نو بودن قرآن، اشتمال این کتاب بر بطون یا لایه‌های معنایی (تأویلات) است، بدین سان که یک عبارت یا سیاق آن می‌تواند در خود، معانی متعدد طولی را همراه داشته باشد که بر فهم‌های مختلف، آشکار می‌گردند، چنانکه در روایات، اشاره شده که قرآن، دارای هفت بطن و یا هفتاد بطن است. از امامان معصوم روایت شده است که قرآن دارای ظاهری است و باطنی؛ ظاهرش زیبا و باطنش پر معنی و عمیق است.

به بیانی روشن‌تر، تأویل یا (بطن)، یکی از مصادیق باطنی برگرفته از مفهوم عام آیه را نشان می‌دهد.^{۲۰} پیداست که این مصادیق از ظاهر آیه قابل برداشت نیست و به واقع فراتر از الفاظ است؛ البته این معانی باطنی، هم سو با همان معانی ظاهری بوده و بیگانه از آن نیست؛ بدین معنا که معانی باطنی آیات، در طول معانی ظاهری آن، هم‌زمان با هم اراده شده‌اند. برخی اختلافات ظاهری در معنی آیات و به دنبال آن ایجاد شبهه تعارض در گفتار معصومان علیهم السلام که در شماری از روایات تفسیری به چشم می‌خورد در مواردی به همین معانی ظاهری و باطنی برمی‌گردد که مخاطب به جهت ناآگاهی از آن دچار شبهه می‌گردد.

۲-۴-۱. و فی روایه ابی الجارود عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله: ﴿وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ﴾ (لقمان: ۱۵) یقول: اتبع سبیل محمد. در روایت ابوجارود از امام باقر علیه السلام آمده است که ذیل آیه «و از راه کسی که به سوی من انابه می‌کند، پیروی کن» فرمود: یعنی از راه حضرت محمد تبعیت کن.^{۲۱}

۲-۴-۲. و قوله عزوجل: ﴿وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى﴾ (لقمان: ۲۲) قال: بالولاية. ذیل آیه «و هر کس روی تسلیم و رضا به سوی خدا آورد و نکوکار باشد، به محکم‌ترین رشته الهی چنگ زده است» آورده است: یعنی به ولایت چنگ می‌زند.^{۲۲}

۲-۴-۳. سأل يحيى بن أکثم أبا الحسن العالم عليه السلام عن قوله تعالى: ﴿سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ﴾: (لقمان: ۲۷) ما هی؟ فقال: هی عين الکبريت و عين الیمن و عين البرهوت و عين الطبرية و جمعة ما سیدان و حمة افريقية و عين بلعوران، نحن الکلمات التي لا تدرک فضائلنا و لا تستقصی.^{۲۳} يحيى ابن اکثم از عالم اهل بیت، امام هادی علیه السلام پرسید: هفت دریایی که خداوند فرموده است: «به اضافه هفت دریای دیگر، مرکب گردد، باز نگارش کلمات خدا ناتمام می‌ماند» چیست؟ حضرت فرمود: آنها عبارتند از: «چشمه کبریت»، «چشمه یمین»، «چشمه برهوت»، «چشمه طبریه»، «چشمه آب گرم ما سیدان»، «چشمه آبگرم آفریقا»، «چشمه باهوران» و ماییم آن کلمات خدا که فضائلمان درک نمی‌گردد و ژرفای وجودمان فهمیده نمی‌شود.

۲-۵. استناد به قرآن

در مواردی، حضرت رسول صلی الله علیه و آله یا ائمه اطهار، حکمی را بیان و مستند آن را از قرآن، ذکر کرده‌اند. به سخنی دیگر، مطلبی یا حکمی بیان شده و برای قانع ساختن مخاطب یا سؤال کننده و یا برای تعلیم چگونگی استفاده از قرآن، مستند قرآنی آن مطلب یا حکم را بیان کردند.^{۲۴}

۲-۵-۱. محمد بن مسلم عن أبي جعفر عليه السلام قال: سمعته يقول: الغنا مما أوعد الله عزوجلّ عليه النار و تلا هذه الآیه: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن

سبیل الله غیرِ علمٍ و یتخذها هزواً اولئک لهم عذابٌ مهینٌ ﴿لقمان: ۱۶﴾ در کافی به سند خود از محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام^{۲۵} روایت آورده که گفت: من از آن جناب شنیدم که می‌فرمود: «غنا از آن گناہانی است که خدا وعده آتش به مرتکبش داده، آنگاه این آیه را خواند: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ﴾ «و بعضی از مردم سخنان بیهوده را می‌خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزا گیرند برای آنان عذابی خوار کننده است!».

۲-۵-۲. اَبی بصیر عن اَبی جعفر علیه السلام قال: سمعته يقول: اتقوا المحقرات من الذنوب. فان لها طالبا يقول أحدكم: أذنب و استغفر، ان الله عزوجل: ﴿و نكتب ما قدموا و آثارهم و كل شيء أحصيناه في امام مبين﴾ و قال عزوجل: ﴿إنها إن تك مثقال حبة من خردل فتكن في صخرة أو في السماوات أو في الأرض يأت بها الله إن الله لطيف خبير﴾ «پسرم! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (کار نیک یا بد) باشد، در دل سنگی یا در (گوشه‌ای از) آسمان‌ها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می‌آورد خداوند دقیق و آگاه است» (لقمان: ۱۶)

ابوبصیر روایت کرده است: ^{۲۶} از امام باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «از گناهان کوچک بپرهیزید که آنها نیز طالبی دارد. یکی از شما می‌گوید: گناه می‌کنم و استغفار می‌کنم، همانا خدای عزوجل می‌فرماید: «بی‌گمان، آنچه را پیش فرستادند و آثاری که از آنها بماند، می‌نویسیم و هر چیزی را در امام مبین، به شماره در می‌آوریم». و خدای عزوجل فرموده است: «همانا آنها اگر به اندازه یک دانه خردل در درون سنگی یا در آسمان‌ها یا در زمین باشند، خدا آنها را می‌آورد، زیرا خدا باریک بین و آگاه است».

۲-۵-۳. عمر بن اذینه عن ابي جعفر عليه السلام حديث طويل يقول في آخره: «و قال رسول الله عزوجل خالقه، فذلك قوله عزوجل: ﴿وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ﴾: و هر گاه از آنان سؤال کنی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است؟» مسلماً می‌گویند: «اللَّهِ» (لقمان: ۲۵)

... عمر بن اذینه، از امام باقر عليه السلام سخن طولانی نقل کرده است^{۲۷} که در پایان آن آمده است: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: هر فرزندی به دنیا می‌آید، بر فطرت - یعنی بر معرفت به اینکه خدای عزوجل آفریننده اوست، متولد می‌شود و این معنی قول خداوند است که: «اگر از آنان بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است؟ می‌گویند: «خداوند».

۲-۶. روایات بیانگر ترسیم فضای نزول

تعبیر «شأن نزول» یا «اسباب نزول» از تعبیرهای کهن رایج در علوم قرآنی است^{۲۸} که اشاره به زمینه‌ها و شرایط نزول یک یا چند آیه دارد. از آنجایی که در روایات مرتبط با این مفاهیم، دایره‌ای فراخ‌تر به چشم می‌خورد؛ بنا به اینکه گاه شرایط پیش از نزول، ترسیم می‌شود و گاه بازتاب‌های پس از آن به تصویر در می‌آید. به جهت این گستردگی، گمان می‌رود تعبیر «ترسیم فضای نزول» گویاتر و جامع‌تر از تعابیر رایج پیش گفته باشد.^{۲۹}

۲-۶-۱. فی مجمع البیان فی ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ﴾ (لقمان: ۶) روی أنّها نزلت فی النضر بن الحارث، کان يتجر إلى فارس، فیشتری كتب الأعاجم فیحدّث بها قریشا، یقول: إن کان محمد یحدّثکم بحديث عاد و ثمود، فأنا أحدّثکم بأحدیث رستم و بهرام و الأکاسرة و ملوک الحیرة، فیستحسنون حدیثه، یترکون استماع القرآن.^{۳۰} در مجمع البیان گفته آیه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ...﴾ درباره نضربن

حارث بن علقمه بن کلدۀ بن عبدالداربن قصی بن کلاب نازل شد، چون او مردی تاجر بود، به ایران سفر می‌کرد و در آنجا اخبار و افسانه‌های ایرانی را از منابعش می‌گرفت و می‌آمد برای قریش تعریف می‌کرد، به ایشان می‌گفت: «محمّد از عاد و ثمود برایتان تعریف می‌کند و من از رستم و اسفندیار و اکاسره، مردم هم قصه‌های او را گوش می‌دادند و به آیات قرآن گوش فرا نمی‌دادند».

۲-۶-۲. ابن شهر آشوب: عن سفیان بن عیینة، عن الزهري، عن أنس بن مالك، فی قوله تعالى: ﴿وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ﴾، قال: نزلت فی علی علیه السلام، قال: كان أول من أخلص وجهه لله ﴿وَهُوَ مُحْسِنٌ﴾ أي مؤمن مطيع ﴿فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى﴾ قول: لا إله إلا الله ﴿وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ و الله ما قتل علی ابن أبي طالب علیه السلام إلا علیها.

ابن شهر آشوب از سفیان بن عیینة، از زهری، از آنس بن مالک نقل کرده است که در معنی آیه ﴿وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ﴾: «کسی که روی خود را تسلیم خدا کند» (لقمان: ۲۲) گوید: در شأن علی علیه السلام نازل شده است و ادامه می‌دهد: علی علیه السلام اولین کسی بود که خالصانه به خدا روی آورد و ﴿وَهُوَ مُحْسِنٌ﴾: «در حالی که نیکوکار باشد» (لقمان: ۲۲) یعنی مؤمن و مطیع ﴿فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى﴾: «به دستگیره محکمی چنگ زده (و به تکیه‌گاه مطمئنی تکیه کرده است» (لقمان: ۲۲) به معنی «لا اله الا الله» است، ﴿وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾: «و عاقبت همه کارها به سوی خداست.» (لقمان: ۲۲) به خدا سوگند! علی بن ابیطالب علیه السلام جز بر این کشته نشد.

۲-۶-۳. آورده‌اند که آیه ﴿وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾: «و کسی که کافر شود، کفر او تو را غمگین نسازد

بازگشت همه آنان به سوی ماست و ما آنها را از اعمالی که انجام داده‌اند (و نتایج شوم آن) آگاه خواهیم ساخت. خداوند به آنچه درون سینه‌هاست آگاه است.» (لقمان: ۲۳) در شأن نزول سعد وقاص نازل شده است که اسلام آورد و پدر و مادرش او را به کفر و ارتداد ترغیب نمودند و مبالغه از حد گذرانید تا مرتبه‌ای که مادرش به سبب اسلام او، سه روز نان نخورد تا دهانش را باز کردند و آب به حلق او ریختند و سعد گفت اگر هفتاد بار بمیرد و زنده شود من از اسلام بر نمی‌گردم.^{۳۱}

۲-۷. ایضاح لفظی

در شماری از روایات تفسیری، تنها به بیان معنای یک واژه با یادکرد واژه‌ای مترادف، یا واژگانی آسان‌تر بسنده شده است که آن را ایضاح لفظی می‌نامیم.^{۳۲} این روش که بیشتر به ترجمه و توضیح شباهت دارد، در موادی به کار رفته است که برای مخاطب تنها همان واژه مبهم بوده و نیاز به توضیح بیشتری وجود نداشته است. این نوع روایات با عناوین «معناشناختی» یا «معناشناسانه»^{۳۳} و نیز «واژگانی» از آن یاد شده است.

۲-۷-۱. به اسناد از حضرت امیر علیه السلام نقل شده است: خداوند گرامی‌تر و بالاتر از آن است که مخلوقی بیافریند و آنرا تحقیر کند و یا انکار نماید و مراد از حمیر در این آیه ﴿إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾: که زشت‌ترین صداها صدای خران است» (لقمان: ۱۹) الاغ نیست، بلکه مراد از آن زریق و صاحب اوست که در تابوتی از آتش و به صورت دو الاغ بوده است و چون صیحه زنده اهل آتش و جهنم از صدای آنها در عذاب بوده و منزجر می‌شوند.^{۳۴}

۲-۷-۲. - ذیل آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَأَخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ﴾: «ای مردم! تقوای الهی پیشه کنید و بترسید از روزی که نه پدر کیفر

اعمال فرزندش را تحمل می‌کند، نه فرزند چیزی از کیفر (اعمال) پدرش را. به یقین وعده الهی حق است پس مبدا زندگانی دنیا شما را بفرید، مبدا (شیطان) فریبکار شما را (به کرم) خدا مغرور سازد. (لقمان: ۳۳) وارد شده است که: فی تفسیر ابن عباس: قال: الغرور: الشيطان. در تفسیر منسوب به ابن عباس، آمده است که «الغرور» یعنی همان شیطان.^{۳۵}

۲-۸. روایات بیانگر حکمت و علت حکم

در برخی روایات تفسیری، علت و حکمت حکم مذکور در آیه تشریح می‌گردد.

۲-۸-۱. ذیل آیه ﴿لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾: «(پسرم!) با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان، مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد» (لقمان: ۱۸) آمده است: عن أبي الحسن عليه السلام قال: «سرعة المشي تذهب ببهاء المؤمن».

امام کاظم علیه السلام فرمودند: شتاب در راه رفتن، ارزش مؤمن را از میان می‌برد.^{۳۶}

۲-۸-۲. ذیل آیه ﴿يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾: «(پسرم!) با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان، مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد» (لقمان: ۱۷) محمد بن فضیل عن أبي الحسن الرضا عليه السلام إنه قال: «الصلوة قربان كل تقى» در کافی به سند خود از محمد بن فضیل، از ابی الحسن رضا علیه السلام، روایت کرده که فرمود: «نماز مایه تقرب هر پرهیزکار است».

۲-۸-۳. نیز ذیل آیه فوق آمده است: محمد بن عمر بن عرفة قال: «سمعت أبا الحسن عليه السلام يقول: لتأمرون بالمعروف ولتنهون عن المنكر أو ليستعملن عليكم شراركم

فیدعو خیارکم فلا یتجاب لهم»^{۳۷} محمد بن عمر بن عرفه روایت کرده است که از حضرت ابو الحسن علیه السلام شنیدم می فرمود: امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه بداتتان بر شما چیره می شوند و خوبانتان دعا می کنند؛ ولی برایشان برآورده نمی شود.

۹-۲. روایات بیانگر فضایل و ثواب قرائت سوره

یکی از مباحث علوم قرآن، بحث پیرامون فضایل سوره های قرآن است، این بحث که خود زیر مجموعه مباحث عام فضایل قرآن است، به نوبه خود دارای دو بخش است: «ثواب سور» و «خواص سور». در بخش ثواب سور به ذکر احادیث پرداخته می شود که فضایل و پاداش های اخروی سوره های قرآن به تفصیل در آنها بیان شده است. در بخش دیگر یعنی خواص سور، روایات مربوط به خواص و آثار دنیوی - اعم از مادی و معنوی - هریک از سوره های قرآن نقل می شود.^{۳۸}

۹-۲-۱. فی کتاب ثواب الاعمال باسناده عن ابي جعفر عليه السلام قال: من قرأ سورة لقمان في ليلة وكل الله به في ليلته ملائكة يحفظونه من إبليس و جنوده حتى يصبح، فاذا قرأها بالنهار لم يزلوا يحفظونه من إبليس و جنوده حتى يمسي.^{۳۹} ثواب الاعمال: با اسنادش به امام باقر علیه السلام {روایت کرده که} فرمود: «هر کس سوره لقمان را در شب تلاوت کند، خداوند در آن شب، فرشتگانی بر وی می گمارد که تا بامداد او را از شر شیاطین حفظ می کنند».

۹-۲-۲. ابي بن كعب عن النبي عليه السلام قال: و من قرأ سورة لقمان كان له لقمان رفيقاً يوم القيامة، اعطى من الحسنات عشرأ بعدد من عمل بالمعروف و عمل بالمنكر.^{۴۰} ابي بن كعب {روایت کرده که} پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آن کس که سوره لقمان را بخواند، در قیامت لقمان با او همراه می شود و ده برابر پاداش کسی که به خوبی ها عمل کرده و از بدی ها دوری ورزیده، به او داده می شود».

۲-۱۰. پاسخگویی با قرآن

گاه در لابه‌لای روایات تفسیری، به مواردی برمی‌خوریم که پیامبر یا امام، در پاسخ یک پرسش، تنها به قرائت آیه‌ای از قرآن، اکتفا کرده است؛ بدون آنکه به شرح و تفسیر یا توضیح و انطباق مورد پردازند.^{۴۱}

۲-۱۰-۱. فی کتاب الخصال عن ابی اسامة عن ابی عبدالله قال: الا أخبرکم بخمسة لم یطلع الله علیها أحدا من خلقه؟ قال: قلت: بلی، قال: ﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾: «گاهی از زمان قیام قیامت مخصوص خداست، اوست که باران را نازل می‌کند، آنچه را که در رحم‌ها(ی مادران) است می‌داند، هیچ کس نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد، هیچ کس نمی‌داند در چه سرزمینی می‌میرد؟ خداوند عالم و آگاه است» (لقمان: ۳۴)

در خصال از ابی اسامة از ابی عبدالله امام صادق علیه السلام روایت کرده^{۴۲} که وی گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: آیا نمی‌خواهید از پنج چیز خبرتان دهم که خدای تعالی احدی از خلق خود را به آنها آگاه نساخته؟ می‌گوید: عرضه داشتم: بله، فرمود: (خداوند تاریخ قطعی قیام قیامت را می‌داند و به احدی از خلق خود خبر نداده و خداوند باران را نازل می‌کند و آنچه در رحم‌ها هست می‌داند و هیچکس نمی‌داند که فردا چه چیزی کسب می‌کند و هیچ کس نمی‌داند در چه سرزمینی می‌میرد؛ ولی خدا همه این‌ها را می‌داند و از آنها باخبر است.

۲-۱۱. روایات بیانگر اختلاف قرائات

در روایات تفسیری منسوب به ائمه علیهم السلام موارد متعددی به بیان اختلاف قرائت‌ها در قرائت آیات پرداخته شده است که تعداد این احادیث نیز کم نیست. تعدادی از این روایات به صحابه و تابعین و قاریان مشهور مستند شده است و

نمی‌توان به عنوان روایاتی معتبر و مسند به حضرت رسول صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام به آنان نگریست و همین مسئله گاهی سبب می‌شود دست یابی به تفسیر درست آیات با مشکل مواجه شود.^{۴۳}

۱۱-۱-۲. ذیل آیه مبارکه ﴿وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٍ وَالْبَحْرِ يَمْدُهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾: «و اگر همه درختان روی زمین قلم شود، دریا برای آن مرکب گردد، هفت دریاچه به آن افزوده شود، این‌ها همه تمام می‌شود ولی کلمات خدا پایان نمی‌گیرد. خداوند عزیز و حکیم است.» (لقمان: ۲۷) وارد شده است که: «و قرأ جعفر بن محمد عليه السلام و البحر مدادُهُ». امام صادق علیه السلام آیه را به صورت «و البحرُ مدادُهُ» قرائت کرده است.^{۴۴}

نتیجه

بررسی مجموع روایات وارد شده ذیل آیات سوره لقمان نشان می‌دهد که این روایات در یازده گونه روایی جای می‌گیرند: ۱. روایات بیانگر فضایل و ثواب قرائت سوره ۲. ایضاح لفظی ۳. ایضاح مفهومی ۴. روایات بیانگر ترسیم فضای نزول ۵. بیان اختلاف قرائات ۶. استناد به قرآن ۷. پاسخگویی با قرآن ۸. روایات بیانگر مصداق آیه (جری و تطبیق) ۹. بیان لایه‌های معنایی (تأویل یا بطن) ۱۰. بیان حکمت و علت حکم ۱۱. روایات اخلاقی.

از مجموع ۹۲ روایت بررسی شده در این تحقیق ۳ روایت در فضیلت و ثواب قرائت سوره لقمان، ۱۷ روایت مربوط به تعیین مصداق آیه (جری و تطبیق)، ۸ روایت در خصوص بیان کردن لایه‌های معنایی (بطن)، ۲۰ مورد اخلاقی، ۷ روایت مربوط به ترسیم فضای نزول، ۲۱ روایت ایضاح مفهومی، ۵ روایت ایضاح لفظی، ۱ مورد اختلاف قرائات، ۴ مورد در بیان حکمت و علت حکم آیه، ۲ روایت پاسخگویی با قرآن و روایات استناد به قرآن ۸ مورد را به خود اختصاص دادند.

همان‌طور که از آمارگونه‌های روایی به خوبی مشاهده می‌شود، بیشترین فراوانی روایات، مربوط به گونه ایضاح مفهومی با ۲۱ روایت و بعد از آن روایات اخلاقی با ۲۰ روایت، سپس گونه تعیین مصداق با ۱۷ مورد مربوط می‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. مهریزی، مهدی، روایات تفسیری شیعه، حجیت و گونه‌شناسی، ص ۶.
۲. جلالی کندی و میثاقی، سهیلا و عذرا، گونه‌های روایات تفسیری امام سجاد علیه السلام در حوزه تعیین مصداق، ص ۳۴.
۳. مهریزی، مهدی، روایات تفسیری شیعه، حجیت و گونه‌شناسی، ص ۹.
۴. بهرام پور، ابوالفضل، تفسیر تسنیم، ص ۴۱۱؛ سبحانی، جعفر، مرئی نمونه، ص ۱۱.
۵. سبحانی، جعفر، مرئی نمونه، ص ۱۱.
۶. همگی میدانیم که هر سوره‌ای از سوره‌های قرآن، با اینکه از آیات مختلفی که هرکدام برای خود مفاد خاصی دارند، تشکیل شده است - مع الوصف - مجموع آیات هر سوره، هدف یا اهدافی را دنبال می‌کند که با در نظر گرفتن آیات این سوره، هدف آن آشکار و روشن می‌گردد.
۷. مهریزی، مهدی، روایات تفسیری شیعه، حجیت و گونه‌شناسی، ص ۱۱؛ معارف، مجید، حدیث، جایگاه و کارکرد آن در تفسیر المیزان، ص ۱۳.
۸. ابن بابویه قمی، علی‌بن‌الحسین بن موسی، من لایحضره الفقیه، ص ۱۳۹؛ حسینی بحرانی، سید هاشم، تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۳۸۲؛ حویزی، عبدعلی بن جمعه، نورالثقلین، ج ۵، ص ۸۲۳.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۱۸۵؛ تفسیر ابن عباس، ص ۴۰۲.
۱۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۳، ص ۵۳۶؛ کاشانی، محمد بن مرتضی، المعین، ج ۲، ص ۳۱.
۱۱. ابن بابویه قمی، علی بن الحسین بن موسی، الخصال، ج ۲، ص ۶۳۲.
۱۲. حویزی، عبدعلی بن جمعه، نورالثقلین، ج ۵، ص ۷۹۷.
۱۳. مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۶.
۱۴. شاکر، محمد کاظم، مبانی و روش‌های تفسیری، ص ۳۰۸؛ مهریزی، مهدی، روایات تفسیری شیعه، حجیت و گونه‌شناسی، ص ۱۳.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۱ تا ۲۵۷؛ و نیز ج ۴، ص ۸۵ تا ۳۶۰.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۱۶۸.

۱۷. قمی مشهدی، میرزامحمد، کنزالدقائق و بحر الغرائب، ج ۳، ص ۵۲۸.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ج ۶، ص ۱۵۷؛ حسینی بحرانی، سید هاشم، تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۸۷۳.
۱۹. حسینی بحرانی، سید هاشم، تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۲۶۲؛ حویزی، عبدعلی بن جمعه، نورالثقلین، ج ۵، ص ۷۶۷؛ طوسی، محمد بن الحسین، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۷.
۲۰. شاکر، محمد کاظم، مبانئ و روش های تفسیری، ص ۳۱۳-۳۱۴؛ رضایی اصفهانی، محمد علی، روشها و گرایشهای تفسیری، ص ۱۰۳ به بعد.
۲۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۳، ص ۵۳۶؛ کاشانی، محمد بن معین، تفسیر المعین، ج ۵، ص ۳۱۲.
۲۲. حویزی، عبدعلی بن جمعه، نورالثقلین، ج ۵، ص ۸۱۱؛ قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۳، ص ۵۳۹.
۲۳. حسینی بحرانی، سید هاشم، تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۳۸۰؛ حویزی، عبدعلی بن جمعه، نورالثقلین، ج ۵، ص ۷۱۳.
۲۴. مهریزی، مهدی، روایات تفسیری شیعه، حجیت و گونه شناسی، ص ۱۷.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ج ۶، ص ۴۳۹.
۲۶. همان، ج ۶، ص ۲۷۰.
۲۷. ابن بابویه قمی، علی بن الحسین بن موسی، التوحید، ص ۳۳۰.
۲۸. مهریزی، مهدی، روایات تفسیری شیعه، حجیت و گونه شناسی، ص ۹.
۲۹. در خصوص اعتبار روایات تفسیری به عنوان یکی از منابع تفسیر همچون دیگر روایات در بین مفسران اختلاف نظر وجود دارد؛ از دیدگاه علامه طباطبایی بسیاری از اسباب نزولها نظری و اجتهادی است، نه سبب نزولی که از راه مشاهده و ضبط به دست آمده باشند و اگر بر این معنا، شیوع نقل به معنی در احادیث، جعل و نفوذ اسرائیلیات از سوی اهل کتاب و برخی روایات ساختگی از ناحیه منافقان ناشناس افزوده شود، دیگر اعتمادی به اسباب نزول نخواهد ماند (دیاری بیدگلی، محمد تقی، ص ۵۱) می توان گفت غالب روایات اسباب نزول به گونه ای است که دلیل معتبری بر درستی و نادرستی آنها ارائه نشده است ولی باید علاوه بر بررسی سندی، به بررسی متن آنها نیز پرداخت. این روایات را نمی توان به طور کلی نادیده گرفت.
۳۰. کاشانی، محمد بن مرتضی، تفسیر المعین، ج ۲، ص ۲۸۵.
۳۱. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنا عشری، ج ۱، ص ۳۴۴.

۳۲. رستم‌نژاد، مهدی، پژوهشی تطبیقی در روایات تفسیری فریقین، ص ۱۲۰-۱۲۱؛ مؤدب، سیدرضا، مبانی تفسیر قرآن، ص ۲۲۸-۲۳۰؛ رضایی اصفهانی، محمدعلی، روشها و گرایشهای تفسیری، ص ۱۰۳ به بعد.

۳۳. رستم‌نژاد، همان، ص ۱۲.

۳۴. بروجردی، محمدابراهیم، تفسیر جامع بروجردی، ج ۵، ۲۹۳.

۳۵. تفسیر منسوب به ابن عباس، ص ۴۰۲.

۳۶. ابن بابویه قمی، علی بن الحسین بن موسی، الخصال، ص ۳۰؛ رازی، حسین بن علی ابوالفتح، روض-

الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۲۹۲.

۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ج ۶، ص ۵۶.

۳۸. در مجموعه‌های روایی شیعه و اهل سنت، به روایات بسیاری درباره فضیلت تلاوت آیات و سور قرآن برمی‌خوریم که بدون تردید حجم عظیمی از آنها ساختگی و یا فاقد اسناد معتبرند؛ البته روایات صحیح و معتبر زیادی نیز در منابع حدیثی نقل شده که از نظر سند و متن (محتوایی) اطمینان‌بخش‌اند. (دیاری بیدگلی، محمدتقی، نقش و کارکرد روایات تفسیری با تاکید بر دیدگاه علامه طباطبایی، ص ۴۵). ثقة الاسلام کلینی بابی با عنوان «فضل القرآن» را در کافی آورده است و نیز علامه مجلسی در جلد ۸۹ بحارالانوار بخش زیادی از این روایات را نقل کرده است.

۳۹. حویزی، عبدعلی بن جمعه، نورالثقلین، ج ۵، ص ۷۶۷؛ حسینی بحرانی، سید هاشم، تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۳۵۹.

۴۰. حسینی بحرانی، سید هاشم، تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۳۵۹؛ حویزی، عبدعلی بن جمعه، نورالثقلین، ج ۵، ص ۷۶۷.

۴۱. مهریزی، مهدی، روایات تفسیری شیعه، حجیت و گونه‌شناسی، ص ۲۰.

۴۲. ابن بابویه قمی، علی بن الحسین بن موسی، التوحید، ص ۲۹۰؛ قمی، علی ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۳، ص ۵۴۴.

۴۳. دیاری بیدگلی، محمدتقی، نقش و کارکرد روایات تفسیری با تاکید بر دیدگاه علامه طباطبایی، ص ۴۶.

۴۴. حویزی، عبدعلی بن جمعه، نورالثقلین، ج ۴، ص ۸۱۵.

منابع:

قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

۱. ابن بابویه قمی، محمد بن علی بن الحسین بن موسی، (شیخ صدوق)، التوحید، مصحح و محقق: هاشمی الحسینی، قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹.

۲. _____، من لایحضره الفقیه، مصحح و محقق: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، ۱۴۱۲.

۳. _____، الخصال، مصحح و محقق: علی اکبر غفاری، قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۶۲.

۴. بروجردی، محمد ابراهیم، تفسیر جامع بروجردی، تهران: صدرا، بی‌چا، ۱۳۶۶.

۵. بهرام پور، ابوالفضل، تفسیر مبین، قم: آوای قرآن، ۱۳۹۲.

۶. جلالی کندی، سهیلا؛ میثاقی، عذرا، «گونه‌های روایات تفسیری امام سجاد علیه السلام در حوزه تعیین مصداق» مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۹۰.

۷. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: اسراء، ۱۳۷۸.

۸. حسینی بحرانی، سید هاشم، تفسیر البرهان، تهران: بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۶.

۹. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثناعشری، تهران: میقات، ۱۴۱۰.

۱۰. دیاری بیدگلی، محمد تقی، «نقش و کارکرد روایات تفسیری با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی»، مجله پژوهش‌های قرآنی، ۱۳۹۰.

۱۱. رازی، حسین بن علی ابوالفتح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸.

۱۲. رستم‌نژاد، مهدی، پژوهشی تطبیقی در روایات تفسیری فریقین، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۰.

۱۳. رضایی اصفهانی، محمد علی، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۵.

۱۴. سبحانی، جعفر، مربی نمونه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۳.

۱۵. شاکر، محمد کاظم، مبانی و روش‌های تفسیری، قم: جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۹.

۱۶. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.

۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: فراهانی، ۱۳۶۰.
۱۸. طوسی، محمد بن الحسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، محقق: آقا بزرگ تهرانی، احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۹. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، **تفسیر نورالثقلین**، ترجمه: زبیر نظر استاد عقیقی بخشایشی، قم: نوید اسلام، ۱۳۹۰.
۲۰. علی بن ابی طلحه، تفسیر منسوب به ابن عباس، **صحیفه علی بن ابی طلحه عن ابن عباس فی تفسیر القرآن الکریم**، محقق: راشد عبدالمنعم، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه، ۱۴۱۴.
۲۱. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر قمی**، ترجمه: جابر رضوانی، قم: بنی الزهراء، ۱۳۸۸.
۲۲. قمی مشهدی، میرزا محمد، **کنزالدقائق و بحر الغرائب**، ترجمه: حسین درگاهی، قم: دارالغدیر، ۱۴۲۴.
۲۳. کاشانی، محمد بن مرتضی، **تفسیر المعین**، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۱۰.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، **الکافی**، مصحح و محقق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.
۲۵. معارف، مجید، «حدیث، جایگاه و کارکرد آن در تفسیرالمیزان»، **نشریه علوم قرآن و حدیث**، ۱۳۸۴.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۲۷. مهریزی، مهدی، «روایات تفسیری شیعه، حجیت و گونه شناسی»، **نشریه علوم حدیث**، ۱۳۸۹.
۲۸. مؤدب، سید رضا، **مبانی تفسیر قرآن**، قم: دانشگاه قم، چاپ دوم، ۱۳۸۸.